

## تطبیق شاخص‌های ادب‌پایداری در سروده‌های عبدالجبار کاکایی و معین بسیسو

نرجس نجم‌الدین<sup>۱</sup>

معصومه صادقی<sup>۲</sup>

### چکیده

در پس گزاره‌های گوناگون ادبیات، تصویر هم‌آوایی و ایستایی یک‌ملت در برابر دشمنان ظالم خود، جلوه‌ای شفاف از ادب‌پایداری را به عرصه واقعیت وارد نموده، جلوه‌ای که با دربرگرفتن شاخص‌های متفاوت، ادب‌پایداری را به ارمغان آورده است. این نوع از ادبیات در پی ادای دین خود به مردمان میهن خویش در نگاه نخست، و نزدیک کردن ادبیات به جهان واقع در وهله بعد، می‌باشد. مقاله پیش‌رو نیز بر پایه این مهم، بر تطبیق و تحلیل شاخص‌های ادبیات مقاومت در سروده‌های دو تن از شاعران معاصر ادبیات فارسی و عربی؛ «عبدالجبار کاکایی» از ایران و «معین بسیسو» از فلسطین، همت گمارده است. این جستار بر اساس مکتب آمریکایی در ادبیات تطبیقی و نیز باشیوه توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده، و سعی بر تبیین جایگاه شاخص‌های ادبیات‌پایداری در سروده‌های شاعران یادشده داشته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان از آن دارد که این دو شاعر در جای‌جای دفتر شعری خود به شعر شهادت پرداخته و بر این باورند که استحکام جریان‌پایداری، تنها با شهادت رقم می‌خورد. وطن پرستی که از جمله شاخص‌های اصلی و مشترک ادب‌پایداری است، در سروده‌های «کاکایی» همراه با گزاره‌های دینی به مخاطب عرضه می‌شود، اما در نگاه «بسیسو» رنگ ملی به خود می‌گیرد. کاربست شخصیت‌پایدار امام حسین (ع) در چارچوب اشتراک‌عینی و تطبیق جنبه‌های گوناگون قیام عاشورا با جامعه ایرانی و فلسطینی از دیگر تشابهات شعری این دو شاعر است.

### کلید واژه‌ها:

مقاومت، ادبیات‌پایداری، کاکایی، بسیسو.

<sup>۱</sup> - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار - ایران.

<sup>۲</sup> - گروه زبان و ادبیات فارسی واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار - ایران (نویسنده مسؤول)

## ۱. مقدمه

«ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبی است و از روابط ادبی ملل مختلف با هم و انعکاس ادبیات ملّتی در ادبیات ملّت دیگر سخن می‌گوید. ادبیات تطبیقی تصویر و انعکاس ادبیات و فرهنگ ملّتی است در ملّت یا ملّت‌های دیگر؛ نوعی داد و ستد فرهنگی زیرا همان طور که فرهنگ ملل مختلف در هم تأثیر می‌کنند، ادبیات آن‌ها هم که یکی از ارکان فرهنگ است در هم اثر می‌گذارد.» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۸۰۸) از میان این موضوعات مهمّ و اساسی ادبیات تطبیقی و نیز بن مایه‌های جریان‌های ادبی جهان، شعر مقاومت است که از گذشته تا به حال می‌توان آثار و فعالیت‌های شاعران و نویسندگان بزرگ جهان را در این زمینه مشاهده کرد. چرا که هر یک از جوامع در طول دوران مختلف به دلایل گوناگونی از قبیل: اقتصادی، سیاسی و ... درگیر جنگ و مقابله با تجاوز بیگانگان به سرزمین خود بوده‌اند و در این میان گروه‌های مختلف مردمی هر کدام بر اساس توانمندی خود به رویارویی و مقابله با دشمن پرداخته‌اند. از جمله این گروه‌ها شاعران هر سرزمین هستند؛ چرا که قلم برنده‌ترین سلاح دعوت به مبارزه برای رزمندگان و تحقیر و سرکوب دشمن متخاصم است.

در چارچوب بیانی دقیق‌تر «ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه‌های ملّی و فردی و ... شکل می‌گیرند؛ بنابراین جان مایه این آثار، مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است.» (سنگری، ۱۳۸۰/ ۹: ۱)

پیرامون پیشینه این گونه ادبی در ادب فارسی نیز باید به این مسأله اشاره کرد که «حسب حال گویی و ادب شکوه و گلایه از روزگار را نیز می‌توان به عنوان گونه‌هایی از ادبیات پایداری در پیشینه ادبیات ایران به حساب آورد و یا حبسیه‌ها به قدری متنوع و زیاد است که خود یکی از شاخه‌های ادبیات پایداری به شمار می‌آید. به علاوه جلوه‌ها و نمونه‌هایی از ادبیات پایداری می‌تواند با تحلیل درونی ادبیات عامّه در ایران در «قصّه‌ها و ضرب‌المثل‌ها» احصا و بررسی

گردد. همچنین شاید بتوان گونه‌هایی از ادب پایداری را در قالب ادب حماسی و اسطوره‌ای جست و جو کرد؛ چنان که داستان کاوه آهنگر و ضحاک مار دوش در شاهنامه فردوسی مصداق این سخن است.» (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۹۶) البته باید یادآور شد؛ براساس تغییر زمان و شرایط گوناگون جوامع، مضامین داخلی و نیز سبک خارجی و شیوه بیان و تبیین آثار ادبی و بویژه آثار پایداری عصور کهن با فحوای درونی و شکل بیرونی و روش گفتاری آثار عصر معاصر به طور کل متفاوت بوده است. در همین راستا درخور بیان است؛ «ادب پایداری به آن مفهومی که امروزه بیش‌تر مورد نظر دانشمندان علوم اجتماعی و ادبی قرار دارد، همانند مفهوم مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم ضد ظلم و بیدادگری است که در ادبیات ایران، سر آغاز آن را از دوره مشروطیت دانسته‌اند، ولی بی توجهی به آن همه نهضت‌ها و منازعات و مقاومت‌هایی که قبل از مشروطه نیز وجود داشته است و به فراموشی سپردن زمینه ادبیات مقاومت برانگیز ایران پیش از مشروطه نیز به دور از انصاف خواهد بود. به همین سبب می‌توان دوره‌های تاریخی ذیل را برای ادبیات پایداری ایران در نظر گرفت:

۱. دوره نهضت‌های داخلی و اولیه پس از ورود اسلام به ایران مثل نهضت شعوبیه و...
  ۲. دوره قیام‌ها و اعتراضات و جنگ‌های داخلی و هجوم خارجی مانند حمله مغول و تیمور به ایران و پیدایش نهضت سرداران و...
  ۳. عصر صفوی، حمله پرتغالی‌ها به جزایر جنوبی و پدید آمدن جنگ نامه‌های منظوم که این دوره آغاز ورود عامه به ادبیات کلاسیک است تا بروز جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی‌شاه.
  ۴. جنگ‌های ایران و روس در عصر فتحعلی شاه تا دوره مشروطه.
  ۵. از دوره مشروطه تا دوره انقلاب اسلامی.
  ۶. دوره انقلاب اسلامی.
  ۷. دوره هشت ساله دفاع مقدس.» (همان: ۹۶)
- اما پیرامون پیشینه ادب پایداری در ادب عربی بخصوص در عصر حاضر نیز با توجه به اوضاع وخامت بارمردم فلسطین در پی تجاوز صهیونیست‌ها، عمده آثار این حوزه ادبی متوجه

مظلومیت مردم این سرزمین گشته است. به دیگر سخن؛ با نگاهی گذرا به حادثه‌های تاریخی معاصر، هشت سال دفاع مقدّس در ادبیات فارسی، و مظلومیت مردم سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ادبیات عربی، محمل سروده‌های متنوعی از سوی شاعران ایرانی و عرب گشته است. یعنی از سویی ادبیات دفاع مقدّس نیز موضوعی از موضوعات شعر مقاومت است که بوسیله آن می‌توان تأثیر فرهنگ جنگ و مقاومت و مضامین مشترک ادبی میان آثار نویسندگان و شاعران مقاومت را بررسی و مشاهده کرد، واز سویی دیگر؛ تجاوز سهمگین صهیونیسم غاصب به سرزمین فلسطین و ملت ستم‌دیده آن، تبدیل به موضوع اصلی شعر مقاومت شاعران عرب در قرن معاصر گردیده است. شعر مقاومت گونه‌ای از ادبیات متعهد سیاسی میان تمامی ملت‌ها است که محتوای آن، بیان تلاش‌ها، اخلاص‌ها، ایثارها و پیکارهای ملّتی است که برای دفاع تجاوز دشمنان، قد برافراشته و در این مسیر، رنج دیده و حرمان کشیده است. در نتیجه با بررسی آثار برخی از شاعران این حوزه ادبی چون «کاکایی» و «بسوسو» می‌توان ضمن شناخت توانایی‌ها و داشته‌های ذهنی هر یک از آنها، به اندیشه‌ها و عواطف ملّتی بزرگ نیز پی برد.

مقاله حاضر که با شیوه توصیفی تحلیلی به تطبیق مضامین ادب‌پایداری در سروده‌های «عبدالبجّار کاکایی» شاعر معاصر پارسی زبان و «معین بسوسو» شاعر معاصرتازی زبان گرد آمده است، تلاش دارد مخاطب خویش را از پاسخ سوالات ذیل آگاه سازد:

- با توجه به بیوگرافی دو شاعر مورد پژوهش، شرایط و محیط زندگی آنها چه تأثیراتی در اشعار آنها داشته است؟
- نگرش و بیان شاعران عرب و ایران به مسأله جنگ و ادبیات مقاومت چگونه است؟
- با توجه به نوع جنگ و موضوع مقاومت در سرزمین‌های ایران و عرب بیشترین موضوعاتی که شاعران بدان توجه داشته‌اند، کدام‌اند؟

در باب پیشینه موضوع مقاله حاضر باید خاطر نشان کرد، علاوه بر وجود مبانی اولیه ادب‌پایداری در کتاب‌هایی که در بخش منابع آمده در ارتباط با مؤلفه‌های این نوع ادبی در شعر شاعران مقاومت ایران و عرب نیز مقالاتی به چاپ رسیده است که برمی‌شماریم: «نگاهی تطبیقی به شعر معاصر ایران و عرب» (مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱،

صص ۶۳-۷۶) از «عبدالحسین فرزاد»، «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» (نشریهٔ ادبیات پایداری، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۵۸) از «ناصر محسنی‌نیا»، «تحلیل مؤلفه‌های ادب پایداری در اشعار طاهره صفّارزاده» (نشریهٔ ادبیات پایداری، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، سال ۴، شماره ۷، صص ۱۳۹-۱۷۶) از «احمد غنی‌پور ملک‌شاه و احمد خلیلی و سیّد محسن مهدی‌نیا چوبی»، «جلوه‌های پایداری در شعر عبدالوهاب البیاتی» (نشریهٔ ادبیات پایداری، بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوره ۴، شماره ۸، صص ۲۳۷-۲۵۶) از «فاروق نعمتی، جهانگیر امیری و علی سلیمی» و نیز مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های پایداری در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی» (نشریهٔ ادبیات پایداری، تابستان ۱۳۹۴، دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۲۳-۴۴) اما دربارهٔ تطبیق شاخص‌های ادب پایداری در سروده‌های این دو شاعر معاصر ایران و عرب تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

## ۲. عبدالجبار کاکایی شاعری مبارز

«عبدالجبار کاکایی» در سال ۱۳۴۲ در ایلام به دنیا آمد. وی دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خود گذراند و در سال ۱۳۶۰، دیپلم اقتصاد گرفت. سال پایانی تحصیل او در ایلام با شروع جنگ عراق همزمان شد و مجاورت جغرافیایی ایلام با کشور عراق کشیده شدن جنگ به شهرهای مرزی و کرد نشین از جمله ایلام، جنگ را در اولویت مردم آن منطقه قرارداد که همین امر کاکایی را به عنوان رزمنده‌ای در خط مقدم جبهه به میدان مبارزه کشاند. (ملاحسینی، ۱۳۸۸) حضور وی در جبهه‌های جنگ به طور ناخودآگاه در انتخاب ادبیات به عنوان ابزار بیان واقعیت و تأکید شاعر بر رئالیسم اجتماعی و به تبع آن انتخاب شعر پایداری از سوی وی مؤثر افتاد.

«کاکایی» پس از سپری کردن ایامی در جبهه در سال ۱۳۶۱ به تهران آمد و تحصیلات خود را تا مقطع کاردانی زبان و ادبیات فارسی در دانش‌سرای تربیت معلّم ادامه داد؛ او رفته رفته وارد حوزه هنری شد و از جمله افراد حاضر در حلقه‌های ادبی حوزه به شمار می‌رفت و در کنار دیگر شاعران مقاومت کشور مانند سیّدحسن حسینی (۱۳۳۵-۱۳۸۳)، قیصر امین‌پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶) و سلمان هراتی

(۱۳۳۸-۱۳۶۵) به شعر خوانی و نقد آثار ادبی پرداخت. در سال ۱۳۶۴ وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران شد و در سال ۱۳۶۸ مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را دریافت کرد. وی به منظور ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۱ به جمع دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز پیوست و در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را اخذ کرد. (درفشه، ۱۳۹۱)

علاقه «عبدالجبار» بیشتر معطوف به قالب‌های غزل و مثنوی بوده که با گذر زمان به ترانه نیز روی می آورد. از او مقالات و نقدهای فراوانی پیرامون شعر این روزگار در مطبوعات درج شده است. زبان شعری او زبان حال جامعه است، بیشتر اشعارش شعرهای اجتماعی است و کمتر به سراغ مباحث معرفتی و حتی اشعار عاشقانه می‌رود. از نظر او ادبیات در واقع زبان فولکلوریک زبان مردم است. از جمله آثار تحقیقی «کاکایی» کتاب «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان» است که با هدف شناساندن وضعیت شعر جنگ ایران نسبت به شعر مقاومت جهان نوشته شده است. از میان آثارش بیشتر از همه به «ترانه کیوتر» که پیرامون بحث مقاومت و جانبازان عزیز کشورمان است علاقه دارد.

از «عبدالجبار کاکایی» تاکنون کتاب‌های بسیاری منتشر شده است که چندین مجموعه شعر و چند نقد و تحقیق را در برمی‌گیرد. از جمله آثار فراوان وی می‌توان به این مجموعه‌ها اشاره کرد: مرثیه روح (۱۳۶۹)؛ حتی اگر آینه باشی (۱۳۷۵)؛ زنبیلی از ترانه (۱۳۸۱)؛ فرصت نیاب (۱۳۸۱)؛ با تو این ترانه‌ها شنیدنی است (۱۳۹۰)؛ بی‌چتر و بارانی است (۱۳۹۱).

### ۳. معین بسیو ادیبی پایدار

«معین بسیسو» در سال ۱۹۲۶م در غزه متولد شد و تا پایان دوره دبیرستان در آنجا ماند. وی برای ادامه تحصیل به مصر رفت و در رشته روزنامه نگاری از دانشگاه آمریکایی قاهره فارغ التحصیل شد. «بسیسو» که در مصر به تدریس و روزنامه نگاری مشغول بود، خیلی زود وارد فعالیت‌های ملی‌گرایانه شد و به دبیر کلی حزب کمونیستی فلسطین منصوب گردید و بعد از اتحاد احزاب کمونیستی فلسطین تا زمان وفاتش عضو کمیته مرکزی حزب بود. از وی تعدادی آثار منظوم و مشور و چند نمایشنامه برجای مانده است. این شاعر و محقق فلسطینی در فاصله سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۵۷ و ۱۹۵۹-۱۹۶۳ در

زندانی‌های مصر، طعم تلخ زندان و اسارت را تجربه کرد. سرانجام در سال ۱۹۸۴ وقتی برای شرکت در یک شب شعر به لندن سفر کرده بود، در آنجا بر اثر سکنه قلبی در گذشت. (السوافیری، ۱۳۸۳: ۳۴۸)

نخستین سروده‌های «معین بسیسو» قصایدی به شیوه قدماست، اما او در ادامه کار وزن را رها کرد و به شعر آزاد روی آورد. شعر او شعری است سراسر فریاد و خشم و بغض و اندوه و نفرت و مبارزه. وی هیچ گاه شعر خود را مقید به قواعد و قوانین شناخته شده نکرد و گاه، واژه‌ها و ترکیباتی را در شعرش وارد کرد که در ظاهر غیر شاعرانه به نظر می‌رسید، اما در انتقال احساسات و وطن‌دوستانه و آزادی‌طلبانه اش، شعر او را یاری می‌دادند و مخاطب را به صداقت و صمیمیت شاعر آگاه می‌کردند. (بیدج، ۱۳۸۹: ۱۵۶)

«بسیسو» مانند «افلاطون»، طرفدار شعری خالی از اوهام است؛ شعری که بیان‌کننده و تصویرگر واقعیت‌های موجود باشد و این امر نشانه واقع‌گرایی، تعهدگرایی و التزام او در جایگاه یک شاعر است؛ چرا که لازمه متعهد بودن یک شاعر، واقع‌گرایی اوست و از این سو این شاعر معاصر عرب یک شاعر متعهد و رئالیست است که تنها ظاهر حوادث را نمی‌بیند، بلکه عوامل و شرایط تأثیرگذار را نیز در نظر می‌گیرد؛ از آن‌رو که رئالیسم با تصویر وفادارانه دنیای ظاهری یکی نیست، بلکه هرگاه بیان درست ظواهر توأم با تجسم درست روابط اجتماعی باشد، رئالیسم تحقق می‌یابد.» (حیدریان شهری؛ تصدیقی، ۱۳۹۰: ۱۰۹)

گفتنی است؛ نخستین مجموعه اشعار «بسیسو» با عنوان «المعركة» در سال ۱۹۵۲ منتشر شد و از آنجا که نوک پیکان انتقاداتش را به سوی حکومت‌های عربی گرفته بود، دو بار در مصر به زندان افتاد که در مجموع، دوران حبس او ۶ سال به طول انجامید.

از دیگر مجموعه شعرهای او می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد: فلسطین فی القلب (۱۹۶۰)؛ الاشجار تموت واقفة (۱۹۶۷)؛ قصائد علی زجاج النوافذ (۱۹۷۰).

#### ۴. یکسانی شاخص‌های ادب مقاومت در سروده‌های کاکایی و بسیسو

##### ۴.۱. وطن

به طور قطع می‌توان گفت اصلی‌ترین موضوع در هر جنگی نزاع بر سر سرزمین است؛ کشوری می‌جنگد تا زمینی را تصاحب کند و در مقابل کشوری مقاومت می‌کند تا خاک و وطن خود را در برابر

اشغال بیگانه حفظ کند. مسأله دفاع از خاک و زمین و به طور کلی دفاع از میهن جزء مضامین مشترک ادبیات مقاومت است. با نگاهی گذرا به دیوان‌های شعری شاعران معاصر ادبیات فارسی و عربی درمی‌یابیم؛ موضوع وطن در نگاه آنان نمودهای متفاوت و گوناگونی دارد. در برخی موارد وطن دوستی و وطن پرستی و احساس فخر نسبت به سرزمین مادری موضوع اصلی سروده‌های معاصر می‌شود و در برخی دیگر وطن اشغال شده و خاکی که در چنگال اشغال‌گران است محور شعر به حساب می‌آید. تطابق اندیشه‌های دینی و ملی با طرح روایت «حبّ الوطن من الایمان» از قول شارع مقدّس دین اسلام سبب می‌شود تا شاعران در چشم انداز عشق به میهن آرمان‌های دینی را نیز در نظر بگیرند. (کاکایی، ۱۳۸۰: ۳۸)

«عبدالجبار کاکایی» در شعر «پیش اسمی که تو باشی...» که در قالب ترانه فولکلور سروده است، به عظمت و قدرت میهن خویش اشاره می‌کند و این عظمت را با بیان تاریخی هفتاد ساله ایران به رخ جهانیان می‌کشد. وی تمام دارایی خود را از ایران می‌داند و جالب‌تر اینکه این حسّ وطن پرستی را با مایه‌های دینی چون شهادت درمی‌آمیزد. درحقیقت دو شاخص اصلی ادب‌پایداری؛ یعنی وطن پرستی و شهادت طلبی را در ذیل عشق به وطن چنین بیان می‌دارد:

پیش اسمی که تو باشی بعضی وقتا کم میارم	هرچه هستم از تو هستم، هرچه دارم از تو دارم
پیش اسمی که تو باشی رسم عاشقی جنونه	رد پیرهن شهیداس لاله‌ای که رنگ خونه
مفصل کویر و دریا مرز نیلوفر و لاله	خاک آسمونی من، وطن هزار ساله
تا ستون سنگی تو زیر طاق آسمونه	سقف این گنبد آبی رو سر زمین می‌مونه

(کاکایی، ۱۳۸۷: ۵۱)

«معین بسیسو» شاعر معاصر فلسطینی نیز چون اغلب شاعران هم‌میهنش از عشق و علاقه خویش به سرزمین پدران و اجداد خود یاد می‌کند. درحقیقت وطن دوستی یکی از خصوصیات بارز شاعران فلسطینی است. «بسیسو» در شعر الذئب (گرگ) نخست رو به وطن کرده (ایها الوطن) و بدان ابراز عشق و علاقه می‌نماید (أحبک) و سپس با کاربست پارادوکس (ابتعدت واقتربت) خود را شاعری سرگردان و حیران در برابر وطن معرفی می‌کند.



شایان ذکر است؛ تعهد اجتماعی شاخصی بارز در سروده‌های شاعران مقاومت است، این ویژگی را در سطرهای شعری سروده یاد شده از «معین بسیسو» می توان یافت؛ زمانی که خود را در برابر عشق زنی می یابد، بجای اینکه چون اغلب شاعران بی تعهد عرب تنها به مدح معشوقه و وصف جسمانی اش پردازد، تعهد و التزام خویش را نسبت به سرزمین مادری و آنانکه جان در راه وطن سپرده اند، یادآور شده و تمام وجودش را نام و یاد آنان در برمی گیرد. (یحتلنی شهید)

«ایها الوطن! / أحيك لما ابتعدت / اصاب بالدوار كلما اقتربت / و كلما حررت / فراشة من شمعدان المراه / التي احببت / يحتلني شهيد... / بالزهر و الرصاص و النشيد...» (بسیسو، ۱۹۷۲: ۵۷۹)

«ای وطن! / دوستت می دارم، وقتی که از تو دور می افتم / و گیج می شوم، وقتی که به نزدیکت می آیم / هرگاه پروانه ای را از شمعدان زنی که / دوست می دارم رها نموده ام / شهیدی مرا اشغال کرده است / با گل و گلوله و سرود.» (بیدج، ۱۳۷۳: ۹۳)

وطن اشغال شده موضوع دیگری است که ذهن شاعر پایداری را به خود مشغول می سازد. «عبدالجبّار کاکایی» با زبانی نمادین و رمزگونه از ورای دل نگرانی های خویش (یک تردید از دلواپسی) از دشمن های متعدد و گاه به گاه و طنش (بادهای موسمی) می گوید و بر اثر تجاوزهای آنان از وطن به عنوان ویرانه یاد کرده، چنین می سراید:

باد در تشویش گلشن مانده است	چند فصلی تا شکفتن مانده است
بی خیال از بادهای موسمی	شمع این ویرانه روشن مانده است
بوی پرواز کبوترها هنوز	بر در و دیوار میهن مانده است
روح یک تردید از دلواپسی	پشت دیوار دل من مانده است...

(کاکایی، ۱۳۶۹ ب: ۱۷-۱۸)

«معین بسیسو» در شعر «فلسطین فی القلب» تجاوز دشمن صهیونیسم را به طوفانی از ملخ تشبیه کرده که وارد مزرعه (سرزمینش) می شوند و همه چیز را نابود می کنند. اینکه شاعر از درآغوش گرفتن نان سخن به میان می آورد کنایه از فقر و نداری فراگیر هموطنانش است که حاصل از اشغال سرزمینش توسط ملخها (دشمن اسرائیلی) است:

«فأنا لم أحضن الخبز/ و من قمح بلادی/ منذ أن هبت رياح مثقلات بالجراد/ نهشت ارض بلادی/ و جماهیر بلادی.» (بسیسو، ۱۹۷۲: ۱۴۱)

«من از آن هنگام/ که توفان‌های ملخ وزیدند/ و خاک وطنم و هم میهنانم را گسستند/ نان را در آغوش نگرفته‌ام/ نانی که از گندم وطنم باشد.» (بیدج، ۱۳۷۳: ۵۰)

#### ۲.۴. دعوت به مبارزه و پایداری

جنگیدن در راه وطن و دفاع از جان، مال، همسر و فرزندان و مبارزه علیه دشمن متخاصم از مضامین رایج و یکی از شاخص‌های ارزشمند ادبیات پایداری است. بیان اهداف این مبارزه از زبان شاعران مقاومت نیز گاه رنگ و بوی ملی و گاه حسّ و حال دینی و یا آمیخته‌ای از این دو به خود می‌گیرد. در این میان «عبدالجبار کاکایی» که به عنوان شاعری مبارز در ادب معاصر فارسی تلقی می‌گردد، با بکارگیری عنصری دینی یعنی شهادت، هم‌میهنان خویش را به مبارزه علیه دشمن عراقی در قالب جنگ تحمیلی هشت ساله فراخوانده (بشتاید)، و در تأیید سخن خویش و استفاده از حسن تعلیل، عصری را که بستر شهادت در آن گسترده است بالاترین و بهترین زمانه‌ها می‌داند (به آفتابی امروز، روزگاری نیست). به بیانی دیگر؛ شاعر پس از هم‌آوایی با رزمندگان و دیگر مردمان جامعه خویش که از ضمیر جمع (ما) چنین برداشت می‌شود، با التفاتی ظریف به ضمیر مفرد (من) شکوفایی انسانیت خویش را تنها در گرو شهادت می‌داند:

چون ما به رهگذر عشق، خاکساری نیست	در انتظار خطر، چشم انتظاری نیست
عنان به شعله اگر داده‌اید بشتاید	به آفتابی امروز، روزگاری نیست
من از شهادت سبز بهار دانستم	چو لاله در چمن درد، داغداری نیست
چنان سبک دل و عاشق نشسته‌ام بر موج	که جز حریم شهادت مرا کناری نیست

(کاکایی، ۱۳۶۹ الف: ۳۹ - ۴۰)

«معین بسیسو» در شعر «فلسطین فی القلب» هدف از مبارزه را اتمام محاصره سرزمینش و آزادی آن بیان می‌کند. او برخلاف همتای فارسی‌زبانش (کاکایی) عامل ملی را در سروده خود پررنگ‌تر جلوه می‌دهد:

«یا ایادی! / ارفعی عن ارضی الخضرء / ضل السلسله / و احصدی من حقل شعبی سنبله... / یا ایادی! / ارفعی عن ارضی الخضرء / اغلال الجراد / و حصادی، لی حصادی.» (بسیسو، ۱۹۷۲: ۱۴۱)

«ای دست‌ها! / سایه زنجیر را / از سرزمین سبز من بردارید / و از کشتگاه ملتّم، خوشه‌ها را دور کنید... / ای دست‌ها! / توده‌های ملخ را / از سرزمین سبز من بزدایید / که خوشه‌هایم از آن منند.» (بیدج، ۱۳۷۳: ۵۰-۵۱)

#### ۳.۴. شهید و شهادت

یکی از شاخص‌ترین مضامین ادبیات پایداری، شهادت و شهادت طلبی است که «بخشی از عالی‌ترین مفاهیم ادب پایداری را روحی سرخ و مقدّس بخشیده است.» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۸۷)

این موضوع که خود پایه و رکن ادب پایداری به شمار می‌رود، جنس ادبیات را در میان سروده‌های شاعران مسلمان، به جنسی اجتماعی تبدیل می‌کند.

«کاکایی» که در جای جای سروده‌هایش گاه با زبانی نمادین و گاه با صراحت گفتار، نام شهیدان را زنده نگه می‌دارد، این بار نیز «در شعر بهار بی‌پرنده» نوز غم آلود و عید نامبارک سال‌های جنگ تحمیلی را به تصویر می‌کشد. در اینجا هنر شاعر آفرینش تصویر دیداری حاصل از مراعات نظیر شکوفه و بهار است. «عبدالجبّار» با نگاهی رمانتیک‌سیمی که غم و اندوه یکی از گزاره‌های آن می‌باشد، سروده‌اش را با غم از دست دادن شهیدان وطن چنین همراه می‌سازد:

چه بی‌شکوفه شد بهار آن سال	چه سرد شد هوای تار آن سال
تن درخت زخمی تبر بود	پرنده از پرنده بی‌خبر بود
به کوچه رنگ و بوی عید دادند	تمام کوچه‌ها شهید دادند
کنار سفره هفت‌سین تازه	پلاک یک شهید بی‌جنازه

(کاکایی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

«معین بسیسو» هنگامی که رو به شهید می‌کند چنین می‌نمایاند که وطن با نور وجودی شهید روشن می‌گردد و جریان مبارزه (أناشید الکفاح) و شادمانی مردم ستم‌دیده (قافله الجیاع) با خون وی

ادامه خواهد داشت. درحقیقت شاعر معتقد است روند پایداری ملّتی چون فلسطین که سالیان سال مورد تجاوز و اشغال می باشد، تنها با شهادت استحکام می یابد.

یا أيها المدحور فی أرض یضج بها الشعاع  
أُشد أناشید الکفاح و سرّ بقافلۃ الجیاع»

(بسیسو، ۱۹۷۲: ۲۱)

«ای (شهیدی) که در زمین به خود غلطیده‌ای، این زمینی است که نور از آن برمی تابد، بی گمان تو بر روی آن ترانه‌های مبارزه را به رشته نظم درآورده، و کاروان گرسنگان را شادمان ساخته‌ای.»

#### ۴.۴. انتقاد از منافقان و شاعران منفعل

در زمان جنگ گروهی از مردم که از مرگ هراس داشتند و رفتن به جنگ و قرار گرفتن جسم در مقابل توپ و گلوله را کار بیهوده‌ای می دانستند، از چشمان تیزبین شاعران مقاومت دورنماندند و موضوعی برای سروده‌های آنان قرار گرفتند.

«کاکایی» در شعر «ای درختان بی‌ثمر» نیش طعنه (نیش دارید مثل مار) و حرف‌های لغو و بیهوده کسانی را که کار رزمندگان را عبث می‌شمارند، بدتر از زخم سیم‌های خاردار می‌داند که دشمن در میدان نبرد از آن استفاده می‌کند و نیز سخنان پوچ آن‌ها را آفتی برای پیروزی در مقابل دشمن و خطری برای جان مبارزان می‌داند. گفتنی است؛ او نیلوفران باغ را استعاره از شهیدان وطن آورده و هم میهنان منافق صفت را چون درختانی که هیچ فایده‌ای ندارند وصف کرده است:

ای درختان بی‌ثمر، چونتان باد و چندتان  
باد را تکه تکه کرد، شاخه‌های بلندتان

نیش دارید مثل مار، بدتر از سیم خاردار  
آفت باغ‌های ماست زردی پوزخندتان

ای خموشان در کمین مارهای در آستین  
جان نیلوفران باغ دور باد از گزندتان

(کاکایی، ۱۳۷۵: ۲۷)

«معین بسیسو» نیز در شعر «مجنون تل الزعتر» از شاعران وطنی که در اشعارشان هیچ اثر و نشانه‌ای از مقاومت فلسطین نیست، انتقاد می‌کند و آنان را مورد خطاب قرار می‌دهد که چرا با وجود مشاهده این فجایع و وقایعی که در سرزمینشان در حال رخ دادن است سکوت کرده‌اند و سخنی به میان نمی‌آورند؟! این شاعر فلسطینی مبارز، همتایان خود را که هیچ التزامی به وطن ندارند

مورد نکوهش قرار داده و با استفاده از سوم شخص در افعال مربوط به آنان و عدم مخاطب مستقیم آنها، بی‌اعتنایی خود را به شاعران بی‌درد جامعه فلسطینی عرضه می‌دارد:

«أيتها القصائد المحايده! / كيف يشطون من سمائم سحاب التل؟ / كيف يشطون من هوائهم  
 دُخان التل؟ / كيف يشطون من عيونهم نساء التل؟ / سحابه لن يترك السماء / دخانه لن يترك الهواء  
 / التل سوف يبقى في عيونهم يقيم / حتى ينفجر، لم ينفجر.» (بسیسو، ۱۹۷۲: ۶۲۸)

«ای شعرهای بی‌طرف / چرا ابرهای تل زعتر را از آسمان شان حذف می‌کنند؟ / چرا دود تل  
 زعتر را از هوایشان خط می‌زنند؟ / چرا زنان تل زعتر را از چشمانشان خط می‌زنند؟ / ابرش هرگز  
 آسمان را ترک نخواهد گفت / دودش هرگز از هوا چشم نخواهد پوشید / تل زعتر در چشمان  
 خواهد ماند / تا مرز انفجار، ماندگار.» (بیدج، ۱۳۷۳: ۴۷)

#### ۵.۴. عظمت مادران و همسران رزمندگان

مادران و همسران رزمندگان و به طور کلی زنان، در طول جنگ و درگیری کشورها نقشی اساسی را ایفا می‌کنند؛ شاعر مقاومت نیز این نکته را بر خود واجب می‌داند که با قلم و نوشته‌هایش در لابه لای سروده‌های پایداری، علاوه بر ترسیم فضای دلدادگی مادران و همسران رزمندگان، به تقدیر این والامقامان پردازد.

«کاکایی» این شاعر معاصر مقاومت ایران، در شعر «بین شکوفه می‌دمد» مادر شهدا و رزمندگان را به گل شقایق تشبیه می‌کند که همواره بر سر سجاده عشق با عشقی جاودانه با پروردگار عالم سخن می‌گوید و برای پیروزی فرزند خود و فرزندان وطنش دعا می‌کند و با این اعتقاد در سوگ فرزند خود پیوسته صبر و بردباری پیشه می‌سازد و او را به خدا می‌سپارد:

«بین شکوفه می‌دمد / به شاخه نیاز تو / به دشت و جنگل و صدف / به چادر نماز تو / تو ماه  
 قصه گوی من / که مادر شقایقی / تو سایه‌سار لاله‌ها / که تا همیشه عاشقی.» (کاکایی، ۱۳۸۷: ۳۹)

«بسیسو» نیز همچون دیگر شاعران مقاومت عرب، در میان اشعار خود از مادری فلسطینی سخن می‌گوید که با اشتیاق فرزند خود را در برابر دفاع از میهن و سرزمینش راهی میدان نبرد می‌کند، او مادر را در غم دوری از فرزندش به صبر و شکیبایی دعوت می‌کند و همه جوانان مبارز را فرزندان او

می‌شمارد و به این نکته اشاره می‌کند که اگر فرزند او به آغوش گرمش بازنگشت و در راه دفاع از میهن به شهادت رسید، جوانان دیگری همچون فرزند او در میدان مبارزه در راه دفاع از میهن ایستادگی و مقاومت می‌کنند. دیگر آن‌که؛ از نظر شاعر، زنی مادر واقعی است که به هنگام تجاوز بیگانگان به کشورش، فرزند خود را با آغوشی باز به سوی جبهه‌های نبرد بفرستد:

لک الجماهير ابناء و بلا عدد      فلسط و حدک یا اما، بلا ولد  
 من لم تودع بنیها ما بقامتها      الی الزنارین لم تجبل و تلد  
 (محمّدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۱۹۵)

«همه جوانان بی‌شمار فلسطینی فرزندان تو هستند/ پس تو ای مادر (فلسطینی که داغداری) تنها و بی‌فرزند نیستی/ مادری که با تبسم و لبخند فرزندش را راهی میدان مبارزه نکند/ در حق او، مادری نکرده است.» (همان: ۱۹۵)

#### ۶.۴. مضامین عاشورایی

مفهوم عاشورا و قیام ابعاد... الحسین (ع) در مقابل ظلم و استکبار چنان عظیم و جهانی است که هر کس در هر گوشه‌ای از جهان هنگامی که سخن از قیام مطرح باشد، عظمت عاشورا را به یاد خواهد آورد. در شعر هر شاعر مقاومت نیز استفاده از مضامین عاشورایی و واژگانی که نمادی از عظمت و واقعه عاشورا باشد به خوبی به چشم می‌خورد. در واقع «شاعران جنگ را تجدید حماسه خونین کربلا می‌دانند و با استفاده از واژگان و تلمیحات عاشورایی بدین موضوع می‌پردازند» (فیاض منش، ۱۳۸۱: ۱۱۹)

«عبدالجبار کاکایی» که پیش‌تر به عنوان شاعری متعهد و ملتزم شناخته شد، مفاهیمی برگرفته از حادثه عاشورا، و در اینجا شخصیت علی‌اکبر (ع) فرزند امام حسین (ع) را در کلام شعری خود آورده تا نمادی از مبارزه برای دفاع از دین و نیز مقاومت باشد. طبیعی است علت پرداختن شاعر به این شخصیت جوان قیام‌حسینی، تهییج جوانان وطن و ارائه نمونه‌ای برای پایداری هرچه بیشتر است. همراه ساختن ادوات شناسایی جنگی معاصر (پلاک) با مصیبت علی‌اکبر (ع)، همسان‌سازی و اشتراک جبهه پایداری در دو عصر متفاوت، و تأکیدی از سوی شاعر بر این بیان است:

بخند ای دل که تا دنیا بخنده  
 علی اکبرم از جبهه آمد  
 نیامد تا که خاکستر شد آخر  
 جوان و قد بلند و با حیا بود  
 به بخت هرچه زار دردمنده  
 همان تابوت که قدش بلند  
 گل زیبای من پرپر شد آخر  
 پلاک و مهر و انگشتر شد آخر  
 (کاکایی، ۱۳۸۷: ۲۱۱)

«بسیسو» در شعر «العودة الی کربلاء» (بازگشت به کربلا) از کربلا و امام حسین (ع) و عطش واقعه کربلا سخن می‌گوید. پرواضح است شاعر از عاشورا و مسائل و مشکلات و شخصیت‌های آن به عنوان موضوعی برای بیان وقایع تلخ جامعه خویش چون کشتار هم میهنان و تصویر ستم صهیونیسم به فلسطینیان، سود جسته است. به دیگر گفتار؛ اشتراک عینی در قالب شخصیت امام حسین (ع) در شعر وی هویدا می‌باشد، به این صورت که این شخصیت برجسته تاریخی را به عنوان موضوع ایستادگی و مقاومت در برابر ظالم مطرح کرده و در درون آن مصائب و مشکلات مردم زمانه خود چون قحطی و زخمی و کشته شدن آن‌ها را از این طریق تبیین نموده است:

آت علی عطشی و فی زوادی ثمر النخیل  
 فلیخرج الماء الدفین الی و لیکن الدلیل  
 یا کربلاء! تلمسی وجهی بمائک تکشفی عطش القتیل  
 و تری علی جرح الجبین أمانه تملی خطای  
 (بسیسو، ۱۹۷۲: ۴۷۶)

تشنه کام می‌آیم و در توشه‌ام خرما دارم / باید آب نهفته را بیرون بیاورد و راهنما باشد / ای کربلا! با آب گوارایت چهره‌ام را نوازش کن تا عطش کشته را ببینی / آن‌گاه بر زخم پیشانی، امانتی را ببینی که گام‌هایم را هدایت می‌کند

## نتیجه‌گیری

۱. فضای غالب بر زندگی پیرامونی و حضور شاعر مقاومت در صحنه‌های مبارزه، حالت شعوری‌اش را به اوج رسانده و تبدیل آن به حالت شعری را در پی دارد. امری که در مورد «عبدالبجّار کاکایی» و «معین بسیسو» به طور کامل رخ داده است.
۲. وطن پرستی که از جمله شاخص‌های اصلی و مشترک ادب‌پایداری به حساب می‌آید، در سروده‌های «کاکایی» همراه با گزاره‌های دینی به مخاطب عرضه می‌شود، اما در نگاه «بسیسو» رنگ ملی به خود گیرد.
۳. از دیگر مشترکات شعری دو شاعر مورد پژوهش، پردازش فراوان شعر شهادت بوده و اینکه هر دو بر این باوراند که استواری جریان‌پایداری، تنها با شهادت رقم می‌خورد.
۴. در نگاه اجتماعی «کاکایی» و «بسیسو»، وجود هم‌میهنان منافق به جبهه مقاومت و ایستادگی ملت، گاه دارای ضرر بیشتری نسبت به دشمن اصلی می‌باشد. البته نقطه تفاوت شعری در این بخش این است که شاعر ایرانی، تمامی هموطنان منافق خود را مورد خطاب قرار داده و آنان را به درختان بی‌ثمر تشبیه کرده است، اما شاعر فلسطینی، بیشترین نکوهش خویش را در این مورد متوجه آن دسته از شاعران وادیان هموطن خود می‌کند که نسبت به دردهای سهمگین ملت خود در پی تجاوز دشمن اسرائیلی بی‌تفاوت هستند.
۵. این دو شاعر معاصر ادب فارسی و عربی به تأثیر روز افزون زنان در زنده نگه داشتن نهضت‌پایداری اشاره داشته و مادران شهدا را به عنوان عنصر اساسی این جریان برشمرده‌اند.
۶. عمده محتوای یکسان ادب‌پایداری در سروده‌های «کاکایی» و «بسیسو»، با کاربست و تطبیق جریان عاشورا و الگو برداری از شخصیت‌پایدار امام حسین(ع) تکمیل می‌شود. هر دو در قالب ابزاری از نقد ادبی با نام اشتراک عینی، سعی در بیان فحوای غم و اندوه و دردهای ملت خویش در جریان ایستادگی برابر متجاوز داشته و به کمک تصویرگری مصیبت‌های حادثه عاشورا و مقاومت سیدالشهدا(ع) سعی کرده‌اند آن را با فضای حاکم بر جامعه خود تطبیق دهند.



فهرست منابع و مآخذ

۱. السوافیری، کامل، (۱۳۸۳)، *ادب معاصر عرب در فلسطین از سال ۱۸۶۰-۱۹۶۰*، ترجمه علی احمد میرسرداری. تهران، نشر حروفیه.
۲. امیری خراسانی، احمد، (۱۳۸۷)، *نامه پایداری (مجموعه مقالات)*، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۳. بسیسو، معین، (۱۹۷۲)، *دیوان الشعر العربی الحدیث*، بغداد، وزارة الاعلام. انتشارات الادیب البغدادی.
۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۳)، *ماه مومیایی*، ترجمه موسی بیدج، تهران: حوزه اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۵. بیدج، موسی، (۱۳۸۹)، *مقاومت و پایداری در شعر عرب از آغاز تا امروز*، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۶. حیدریان شهری، احمدرضا. تصدیقی، ندا، (۱۳۹۰)، «*خوانش تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر ایران و فلسطین*»، فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی، سال اول، شماره ۳، (از ۱۰۵ تا ۱۲۵).
۷. درفشه، لعیا، (۱۳۹۱)، «*رویای فاتحانه یک شاعر*»، خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، بازیابی: ۱۳۹۱/۱/۱۰ ([www.ibna.ir](http://www.ibna.ir)).
۸. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس (دوره سه جلدی)*، تهران: پالیزبان.
۹. فرشیدورد، خسرو، (۱۳۶۳)، *درباره ادبیات و نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
۱۰. فیاض منش، پرند، (۱۳۸۱). «*بررسی موضوعات، مضامین و قالب‌های شعر جنگ*»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱. صص ۱۱۳-۱۲۸.
۱۱. کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۸۷)، *با سکوت حرف می‌زنم*، تهران: علم، چاپ اول.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*، چاپ اول، تهران: پالیزبان.

۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۹ الف)، *آوازه‌های واپسین*، تهران، نشر همراه.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۹ ب)، *مجموعه شعر مرثیه روح*، تهران، حوزه هنری.
۱۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، *حتی اگر آئینه باشی*، تهران، اهل قلم.
۱۶. کریمی لاریمی، رضا، (۱۳۸۸)، *جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندران*، ساری: مرکز انتشارات توسعه علوم.
۱۷. محمدی روزبهانی، محبوبه، (۱۳۸۹)، *قسم به نخل قسم به زیتون*، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، چاپ اول.
۱۸. ملاحسینی، محمد، (۱۳۸۸)، *زندگینامه عبدالجبار کاکایی*، همشهری، بازیابی: [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir) ۱۳۸۸/۹/۱۵

Archive of SID